

# بررسی تأثیر فضای عمومی شهری بر ابعاد رفاه اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران)

راشین عبدالهی\* ، اصغر محمدی\*\* ، منصور حقیقتیان\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۲۵ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲

## چکیده

فضای شهری جزئی از یک شهر است که به‌عنوان عرصه عمومی، تجلی‌گاه فعالیت‌های شهری است که بر نیازهای فردی و اجتماعی آحاد جامعه تأثیرگذار می‌باشد و شرایط زندگی افراد را اعم از زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ که این امر شرایط رفاهی افراد را نیز در برمی‌گیرد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر فضای عمومی شهری بر ابعاد رفاه اجتماعی شهروندان ۷۰-۱۸ سال به بالای شهر تهران انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. روش پژوهش میدانی، با استفاده از تکنیک پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه است.

---

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان. rashinabdolahi@yahoo.com  
\*\* استادیار، جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان. (نویسنده مسئول). asghar.mo.de@gmail.com  
\*\*\* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان. mansour\_haghighatian@yahoo.com

حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۶۲۵ نفر محاسبه شده است؛ روش نمونه‌گیری تلفیقی از دو نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی بوده است. یافته‌های توصیفی به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر این است که ۴۷ درصد از شهروندان کیفیت فضای عمومی شهر را در سطح متوسط و ۵۱/۷ درصد بالا و ۴۴/۲ درصد سطح برخوردار خود از رفاه را در سطح متوسط و ۵۳/۸ درصد نیز در سطح عالی بیان نموده‌اند؛ همان‌طور که مشخص است دو متغیر تحقیق در بین شهروندان در سطح متوسط و متوسط به بالا می‌باشند؛ نتایج استنباطی حاصل از محاسبات معادلات ساختاری بیانگر این است که در فاصله اطمینان ۹۵ درصد به ترتیب ابعاد رضایتمندی (۰/۶۱)، احساس امنیت اجتماعی (۰/۵۲)، تأمین نیازهای اساسی (۰/۴۸) و احساس محرومیت نسبی (۰/۳۳-) از متغیر فضای عمومی شهری به‌عنوان متغیر مستقل تأثیر پذیرفته‌اند که این نتایج بیانگر تأیید فرضیات یادشده مبنی بر تأثیر فضای عمومی شهری بر ابعاد رفاه اجتماعی در بین شهروندان شهر تهران می‌باشد. نتایج حاصل از برازش مدل معادلات ساختاری نشان از برازش خوب الگو توسط داده‌ها داشته است؛ به عبارتی داده‌های به‌دست‌آمده از شاخص‌های  $GFI$ ،  $RMSEA$ ،  $PNFI$ ،  $PCFI$ ،  $CMIN/DF$  به‌خوبی الگو را مورد حمایت قرار داده‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** عدالت اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، احساس محرومیت نسبی، تأمین نیازهای اساسی، رضایتمندی اجتماعی، رفاه اجتماعی، فضای عمومی شهری

## طرح مسئله

شهر سالم با انسان‌های سالم معنا می‌یابد و هر دو موجب به وجود آمدن جامعه‌ای سالم و پویا خواهند شد. شهرنشینی به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر سلامت فردی و اجتماعی شهروندان، محسوب می‌شود به‌گونه‌ای که سلامت انسان‌ها، تا حد زیادی

تحت تأثیر وضعیت اجتماعی، اقتصادی و محیطی آنها و در گرو برنامه‌ها و اهدافی است که شهر برای آنها در نظر گرفته است و ارتقای سطح کیفیت زندگی شهری هم در گرو ارتقای سطح سلامت است. ارتقای سطح سلامت، به‌مثابه محور توسعه جوامع پذیرفته شده و با توجه به اهداف منشور اوتاوا، هدف نهایی همه دولت‌ها است (قدمی و معتمد، ۱۳۹۲: ۳۳). علاوه بر این در قرن بیست و یکم، جمعیت شهری دنیا به مرز ۵۰ درصد کل جمعیت جهان رسیده و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۵ میلادی از مرز ۶۱ درصد تجاوز نماید (باسنخا و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۳).

فضای عمومی شهری، صحنه نمایش زندگی روزمره مردم است و در تقابل با فضای زندگی خصوصی تعریف می‌شود. اهمیت فضای عمومی به دلیل نقشی است که در توسعه جامعه دموکراتیک بازی می‌کند به عبارتی چنانچه دسترسی برابر به عرصه عمومی برای همه جامعه فراهم شود، تهدید، تمایز و جدایی اجتماعی کاهش می‌یابد و تنوع فرهنگی شکل یافته، می‌تواند فضاهای عمومی را تبدیل به مکانی نماید که افراد و گروه‌های مختلف بتوانند در اجرای قوانین خودگزیده، مشارکت کنند (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۲). فضای شهری جزئی از یک شهر است که به‌عنوان عرصه عمومی، تجلی‌گاه فعالیت‌های شهری است. در حال حاضر هرگونه فضایی را نمی‌توان فضای شهری قلمداد نمود، چرا که فضای شهری دارای ویژگی‌های ارتباطی بوده و بخشی از ارگانیزم زنده شهر است که با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فنی در حال تغییر، مرتبط است. این فضاها مشتمل بر فضاهای گوناگونی چون: خیابان‌ها، معابر، میدان‌ها، پلازاها، پارک‌ها، زمین‌های بازی، سیتی هال‌ها، مال‌ها، سواحل و کناره‌ها و سایر فرم‌های فضاهای تجمع می‌باشند (کار، ۱۹۹۲)؛ که از نظر فعالیتی می‌توانند جهت تأمین یک فعالیت ویژه طراحی و برنامه‌ریزی شوند و یا آنکه مانند میدان‌ها و پلازاها دارای تنوع کالبدی و فعالیتی و در نتیجه اجتماع‌پذیری بیشتر باشند (کار، ۱۹۹۲). در واقع این فضاها بستری برای انجام تعاملات و ارتباطات اجتماعی هستند که فرصتی را به وجود می‌آورند تا کنشگران خارج از عرصه خصوصی و نیمه‌خصوصی با دیگرانی که

نمی‌شناسند در استفاده از یک فضا سهیم شده و در آن فعالیت نمایند. این فضاها با توجه به خاصیت عمومی و اجتماعی که دارند، می‌توانند به ساخت و بازتولید مناسبات اجتماعی کمک نموده و باعث تقویت آن‌ها شوند. در واقع فضاهای عمومی شهری با زبان خود می‌توانند با مخاطبان خود ایجاد ارتباط کرده و کنش و روابط اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار دهند. «فضای شهری موجب تسهیل روابط اجتماعی و پالایش ساخت اجتماعی می‌شود» (شوای<sup>۱</sup>، ۱۳۷۵)؛ مفهوم رفاه اجتماعی<sup>۲</sup> در طول سال‌های اخیر به صورت جدی مورد علاقه جامعه شناسان، اقتصاددانان و سایر رشته‌های مرتبط با توسعه قرار گرفته است. متون مرتبط با جامعه‌شناسی و اقتصاد نشان می‌دهد که رفاه و بهزیستی (به معنای بهتر زیستن) تنها به اقشار آسیب‌پذیر محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است.

طبق تعریف ارائه شده از سوی سازمان بهداشت جهانی یکی از ویژگی‌های مهم رفاه اجتماعی آن است که فرد از احساس سلامت، امنیت و سرزندگی بالایی برخوردار باشد (هیوستون و استروب<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱) یکی از وظایف اصلی هر دولتی تأمین رفاه شهروندان است. برای شکل‌گیری شکوفایی اقتصادی، سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی و هر فعالیت اجتماعی دیگر به حداقل زمینه مطمئن و آرام نیاز است که وجود این‌گونه امنیت‌ها نشان‌دهنده وجود رفاه در جامعه است. می‌توان گفت که احساس رفاه علاوه بر اینکه یک نیاز برای انسان‌ها است، عامل بسیار مهمی در پیشرفت و توسعه هر کشور است. به عبارتی وجود رفاه اجتماعی یک واقعیت لازم و ضروری برای هر اجتماع یا جامعه است (Midgely, 2000: 25). رفاه اجتماعی مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی است که نیازهای فردی (جسمانی و روانی) و اجتماعی آحاد جامعه را در حد قابل قبول تعریف کرده و همه مردم از زندگی در آن شرایط، احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته باشند (مدنی، ۱۳۷۹: ۱۳). در هر جامعه‌ای فقر یا محرومیت

---

1. Choay  
2. Social Welfare  
3. Hewstone&Srobe

می‌تواند به‌عنوان فقدان رفاه شناخته شود که در ابعاد فردی و اجتماعی بر هم منطبق است. با پیچیده شدن جامعه و ظهور روابط و مناسبات جدید اقتصادی و اجتماعی و پیدایش نیازهای ثانویه، نگرش‌های جدید رفاه اجتماعی پدیدار شد، با این گفته‌ها رفاه اجتماعی را تنها می‌توان در یک متن و در بستر یک جامعه، تعریف کرد (Midgely, 2000: 25).

تهران کلان‌شهری است که دارای مناطق مختلفی از نظر موقعیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد که همین تفاوت‌های چهارگانه خود در بردارنده موارد جزئی و کلی است که این مناطق را از هم متمایز می‌کند؛ شهروندانی که در این مناطق زندگی می‌کنند با توجه به موقعیت جغرافیایی از نظر میزان دسترسی به همه امکانات زندگی با هم متفاوت هستند؛ تفاوت‌ها شامل تفاوت در سطح و میزان سرمایه اجتماعی، سطح تعاملات، سرزندگی، بستر و محیط فرهنگی و طبیعی و جذابیت شهری و ... است که تعدادی از آن‌ها زیرشاخه فضای شهری به‌عنوان یکی از اصول مهم و اساسی زندگی در شهر، می‌باشد؛ فضای عمومی شهر با عوامل چندی در ارتباط و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد؛ در رابطه با استفاده از فضای عمومی شهر و پیامدهای خوب و بد آن در مناطق مختلف، سطح رفاه اجتماعی شهروندان نیز متغیر می‌باشد؛ سطح رفاه اجتماعی شهروندان و تأثیرپذیری آن از پایگاه اقتصادی-اجتماعی، سرمایه اجتماعی و فرهنگی، کیفیت زندگی و ... در کلان‌شهری همچون تهران خود دلیلی بر اهمیت تأثیرگذاری شاخص‌های مرتبط با موقعیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد.

از سوی دیگر با توجه به گفته‌های قبل میزان دسترسی شهروندان به امکانات مربوط به فضای عمومی شهری در تمام نقاط شهر تهران یکسان نمی‌باشد؛ در جهت شمالی این شهر علاوه بر فضاهای عمومی شهری، امکاناتی برای استفاده شهروندان برحسب جنسیت آن‌ها از فضای عمومی شهر نیز تعبیه شده است در صورتی که در مناطق جنوبی و پایین‌شهر با کمبود فضای عمومی شهری (همچون پارک و فضاهای

سبز و... برای عموم شهروندان روبرو هستیم؛ در مواردی هم فضای عمومی شهر برای شهروندان مسئله‌ساز شده است که همین نکته از سویی به عدم مدیریت و عدم در نظر گرفتن اصول ایجاد و توسعه فضاهای شهری و از سوی دیگر عدم استفاده صحیح از آن‌ها توسط شهروندان برمی‌گردد؛ فضای عمومی شهری و ملزومات آن ناخودآگاه بر امنیت، احساس وجود عدالت اجتماعی و سطح رضایت‌مندی شهروندان و... تأثیر می‌گذارد. حال با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی در شهر تهران و به تبع درگیر شدن زندگی روزمره شهروندان در پژوهش حاضر می‌توان به دنبال پاسخگویی به این سؤال بود که فضای عمومی شهر تهران چه تأثیری بر ابعاد رفاه اجتماعی (رضایت‌مندی اجتماعی، احساس محرومیت، احساس امنیت، تأمین نیاز اساسی و عدالت اجتماعی) شهروندان دارد؟

### پیشینه تحقیق

بمانیان و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «امنیت تردد زنان در فضاهای شهری و سنجش مشارکت آن‌ها در بخش مرکزی شهر تهران» با استفاده از مطالعات میدانی بر بخشی از منطقه مرکزی پرتردد شهر تهران (محدوده پارک شهر) و از طریق توزیع پرسشنامه به این نتیجه رسیده‌اند که بین دو متغیر میزان تردد و احساس امنیت زنان رابطه مستقیم وجود دارد. به علاوه در این پژوهش، ضمن بررسی نیازها و ویژگی‌های خاص حرکتی زنان، با استفاده از رویکرد مشارکتی، نتایج حاصل از تحلیل شاخص‌های اعمال شده در پرسشنامه ارائه شده است که شامل ارتقای امنیت وسایل نقلیه عمومی، بهبود امنیت عابران پیاده، افزایش نظارت (طبیعی و مصنوعی)، بر تردد عابران و ارتقای امنیت تردد شبانه زنان است.

روحانی (۱۳۸۸) در تحقیق خود با عنوان «بررسی رابطه رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی در شهر سنندج)» به این نتیجه رسیده است که رفاه اجتماعی با سرمایه اجتماعی و اوقات فراغت با سرمایه اجتماعی رابطه معناداری دارد.

صدیق سروستانی و نیمروزی (۱۳۸۹) با روش پیمایشی ۸۵ شبکه همسایگی (در هر شبکه ۵ خانوار) را در محلات شهر مشهد بررسی کرده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای اعتماد به همسایه‌ها، نگرش به محیط فیزیکی محله، تمایل به مشارکت در امور محله، سطح سواد فرد، عضویت در انجمن‌های اجتماعی محله و رتبه اقتصادی- اجتماعی منطقه محل سکونت از یک‌سو و احساس امنیت در محله از دیگر سو، ارتباطی مثبت وجود دارد.

ربانی و گنجی (۱۳۹۰)، در تحقیقی با عنوان رویکرد جامعه‌شناختی به احساس شادمانی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان با استفاده از روش پیمایش به این نتیجه رسیده‌اند که میانگین احساس شادی در دامنه صفر و صد در بین سرپرستان خانوارها ۵۶/۲۳ بود و از بین متغیرهای زمینه‌ای مورد مطالعه، احساس شادی سرپرستان خانوار بر حسب جنس، وضعیت تأهل و شغل متفاوت است. همچنین متغیرهای سرمایه اجتماعی، رضایت از امکانات منطقه‌ای، میزان برخورداری از حقوق شهروندی، میزان منزلت نقشی و درآمد با احساس شادی سرپرستان دارای همبستگی مستقیم است: به طوری که مدل به دست آمده از متغیرهای مؤثر، بر اساس رگرسیون چندگانه با روش گام به گام، حدوداً ۴۵ درصد از واریانس احساس شادی در جامعه آماری را تبیین می‌کند و برخورداری از حقوق شهروندی، منزلت نقشی و سرمایه اجتماعی به ترتیب دارای بیشترین تأثیر بر شادی بودند.

یافته‌های تحقیق پیمایشی کیا و امیری (۱۳۹۱) با عنوان «بررسی میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان ۶۴-۱۵ سال شهر اهواز» بیانگر این است که بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی، احساس عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، پایبندی به اعتقادات مذهبی، میزان رضایت از خدمات شهری و نشاط اجتماعی، رابطه مثبت و معنادار و بین احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌هنجاری و نشاط اجتماعی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

اکبری و پاک‌بنیان (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان «تأثیر کالبد فضاهای عمومی بر احساس امنیت اجتماعی زنان (نمونه موردی: محله نارمک و شهرک اکباتان شهر تهران)» به این نتیجه رسیده‌اند که زنان به ترتیب بیشترین و کمترین احساس امنیت را از حضور در آن‌ها داشتند و بر اساس معیارهای کالبدی منتخب از بررسی‌های نظری شامل اندازه فضا، فرم فضا، آسایش بصری و آسایش محیطی را مورد تحلیل قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های کالبدی در قالب این معیارها؛ در محله نارمک از عوامل بسیار مؤثر در بالا بودن احساس امنیت در فضاهای این محله است و در مقابل این ویژگی‌ها در شهرک اکباتان زمینه احساس ناامنی در فضاهای جمعی را مهیا نموده است. از طرف دیگر، تفاوت الگوهای این دو مجموعه به سبب ایجاد ویژگی‌های کالبدی متفاوت تا حدودی بر تفاوت احساس امنیت در فضاهای آن‌ها مؤثر بوده است ولی نمی‌توان ادعا کرد که بلندمرتبه بودن این مجموعه مسکونی دلیل بر کاهش احساس امنیت در فضاهای آن مجموعه است، بلکه به نظر می‌رسد بلندمرتبه بودن، پتانسیل‌هایی برای کاهش احساس امنیت در مجموعه‌های مسکونی فراهم می‌آورد.

مؤیدی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «بررسی نقش مؤلفه‌های منظر شهری در ارتقای سطح احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری (نمونه مورد مطالعه، محله اوین تهران)» پس از مرور مبانی نظری مرتبط با منظر شهری، در سه بعد ادراک، فعالیت و فرم در شکل‌گیری منظر مطلوب، مؤلفه‌های «حس مکان»، «هویت مکان»، «خاطره‌انگیزی»، «خوانایی و تصویری روش از محیط»، «ادراک عمومی و لذت بصری» و «فرم و ریخت» را به‌عنوان شاخص‌های منظر شهری برای سنجش احساس امنیت شهروندان در فضاهای عمومی شهری به دست آورده‌اند. آن‌ها از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده کرده‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که با وجود امنیت، احساس امنیت در محدوده مورد مطالعه از دید ساکنان، پایین‌تر از سطح متوسط ارزیابی شده است. بر اساس مدل احساس امنیت در سطح دوم، شش معیار



هویت مکان، خاطره‌انگیزی، فرم و ساختار، حس مکان، خوانایی و ادراک عمومی و بصری، سازنده احساس امنیت بر اساس منظر شهری هستند. در محدوده نمونه (محلّه اوین) شهروندان مشارکت‌کننده در پژوهش، خوانایی و ادراک عمومی و بصری را در احساس امنیت خود مؤثرتر دانسته‌اند؛ و به ترتیب در این دو مؤلفه جهت‌یابی و وجود راهنما و ایمنی و نفوذپذیری بصری شاخص‌تر هستند.

یافته‌های تحقیق پیمایشی عنبری و یافته‌های تحقیق پیمایشی عنبری و حقی (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی زنان (۴۹-۱۵ ساله) مناطق شهری و روستایی شهرستان دلجان» نشان داد، که افراد مورد مطالعه برحسب متغیرهای زمینه‌ای و خانوادگی از نشاط متفاوتی برخوردار بوده‌اند. زنان متأهل بانشاط‌تر از زنان مجرد و بی‌همسر بر اثر فوت و طلاق بودند. ارتقاء پایگاه اقتصادی-اجتماعی در افزایش میزان نشاط اجتماعی زنان مؤثر بوده است. برحسب یافته‌های تحلیلی حاصل از رگرسیون چند متغیره، از میان عوامل اجتماعی، دو متغیر مقبولیت اجتماعی و احساس عدالت اجتماعی در مناطق روستایی و پنج مقوله رضایت از زندگی، کیفیت زندگی، اعتقادات دینی، احساس عدالت اجتماعی و پایگاه اقتصادی در مناطق شهری، بیشترین سطح تغییرات نشاط اجتماعی زنان را تبیین نموده‌اند.

رفعت جاه و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «امنیت و جنسیت در فضاهای شهری: مطالعه کیفی حق زنان به شهر» با اتخاذ رویکرد کیفی (انجام مصاحبه‌های نیمه ساخت‌یافته) به مؤلفه امنیت در شهر توجه کرده‌اند و برخی از عوامل فضایی ادراک نامنی در شهروندان زن را شناسایی کرده‌اند. این پژوهش نشان داده است که تنها ۴۵/۴ درصد زنان تهرانی در فضاهای عمومی شهری احساس امنیت دارند و سایرین، فضاها را ناامن یا نسبتاً ناامن شناسایی می‌کنند.

عنوان مطالعه داری‌پور و ملکی (۱۳۹۴) «بررسی نقش مؤلفه‌های منظر شهری در ارتقای سطح احساس امنیت شهروندان در فضاهای عمومی شهر اهواز (مطالعه موردی: محلّه گلستان)» است. مؤلفه‌های «حس مکان»، «هویت مکان»، «خاطره‌انگیزی»،

«خوانایی و تصویری روشن از محیط»، «ادراک عمومی و لذت بصری» و «فرم و ریخت» به‌عنوان شاخص‌های منظر شهری برای سنجش احساس امنیت شهروندان در فضاهای عمومی شهری به دست می‌آیند. روش مورد استفاده آن‌ها برای گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی، پیمایش و ابزار پرسشنامه است. نتایج بررسی‌های آن‌ها نشان می‌دهد که با وجود امنیت، احساس امنیت در محدوده مورد مطالعه از دید ساکنان، پایین‌تر از سطح متوسط ارزیابی شده است. با توجه به شش معیار هویت مکان، خاطره‌انگیزی، فرم و ساختار، حس مکان، خوانایی و ادراک عمومی و بصری، میانگین احساس امنیت در دو معیار هویت مکان و خاطره‌انگیزی بالاتر از میانه نظری و چهار معیار دیگر پایین‌تر از میانه نظری ارزیابی شده‌اند؛ بنابراین شهروندان محله گلستان شهر اهواز، دو مؤلفه هویت مکان و خوانایی را در ایجاد احساس امنیت مؤثرتر می‌دانند.

زیگلر<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «شما باید درگیر زندگی باشید یا زندگی از دست می‌رود: یک مطالعه متقاطع تحلیلی دوره زندگی مشارکت اجتماعی زنان مسن، در یک منطقه محروم شهری» با هدف مطالعه ترویج و ارزیابی مشارکت اجتماعی در میان افراد مسن در یک محله شهری محروم به‌صورت یک پروژه تحقیقاتی مشارکتی<sup>۳</sup> ساله، به این نتیجه رسیده است که شیوه‌های ارتباطی در سراسر دوره زندگی در معرض تغییر مداوم هستند. مشارکت اجتماعی در زندگی آینده، بر اساس شیوه‌های رابطه‌ای، زندگی دلالت بر اجرای سیاست و عمل در سطوح مختلف دارد. مرحله اول به‌عنوان مشارکت اجتماعی و مدنی در تعاملات روزمره و فضاهای عمومی (مانند خیابان) بر اساس نیاز برنامه‌ریزان به بررسی چگونگی ارتقا عملکرد روابط غیررسمی برای همه نسل‌ها در محله بود، مرحله دوم شامل توجه به توانایی و انگیزه‌های افراد مسن برای کمک به این چشم‌انداز بود. در مرحله سوم، منابع در دسترس بیشتری برای حمایت از آن سالمندان ایجاد کرد که اجازه می‌داد افراد مسن‌تر فعال باقی بمانند.

با مروری بر تحقیقات پیشین که تنها ارتباط یکی از شاخص‌های رفاه اجتماعی با شاخصی از فضای عمومی شهر را مورد بررسی قرار داده بودند می‌توان اذعان نمود که در پژوهش حاضر تمام ابعاد فضای عمومی شهری و رفاه اجتماعی (با در نظر گرفتن پستوانه نظری قوی) در نظر گرفته شده‌اند؛ از سوی دیگر این مسئله در کلان‌شهری همچون تهران که دارای تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد، مورد بررسی قرار گرفته و الگویی از نقش فضای عمومی شهری بر رفاه اجتماعی شهروندان ارائه نموده است.

### چارچوب نظری

«رفاه اجتماعی» را می‌توان از واژگانی دانست که با مفاهیمی چون «حمایت اجتماعی»<sup>۱</sup>، «بیمه اجتماعی»<sup>۲</sup>، «تأمین اجتماعی»<sup>۳</sup>، «خدمات اجتماعی»<sup>۴</sup> و «بهبودی» پیوستگی معنایی نزدیکی دارد که گاهی بر قلمروی مفهومی مشترکی نیز اشارت دارد. بر این اساس رفاه اجتماعی دو مفهوم عام و خاص را در برمی‌گیرد که در مفهوم عام عناوینی نظیر خدمات اجتماعی، حقوق عمومی و شهروندی را یادآور می‌شود که دو بُعد مادی و معنوی را در برمی‌گیرد؛ بُعد مادی بر تأمین نیازهای اساسی، خوراک، پوشاک شغل و مسکن، بهداشت و درمان، تأکید و بُعد معنوی نیز بر مفاهیم تعلیم و تربیت و ریشه‌کنی جهل و بی‌سوادی، حمایت قانونی از عموم ملت و برخورداری از حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، توجه به خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی و تأمین قداست و فضیلت در بستر جلوگیری از انحرافات اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی اشاره دارد (زاهدی اصل، ۱۳۸۱: ۲۱). همین مفاهیم را می‌توان به‌عنوان پیش‌فرض‌های توسعه پایدار دانست که بدون تحقق این اهداف، توسعه پایدار، مفهومی می‌گردد (محسنی، ۱۳۸۲: ۹).

1. Social Assistance
2. Social Insurance
3. Social Security
4. Social Services

طبق تئوری‌های مارکسیستی، رفاه اجتماعی به وسیله ساختار حکومتی برای جلوگیری از فعالیت‌های انقلابی، صورت می‌گیرد که تأکید بر ساختار سیاسی، در جهت غرض‌ورزی سیاسی دارند. در نظریه‌های بنیادی رفاه اجتماعی به دو نظریه تأکید شده است: نظریه «ترمیمی»<sup>۱</sup>، بر آزادی فردی در زندگی اجتماعی تأکید دارد که در رویکرد تأمین و رفاه اجتماعی می‌بایست اجتماع را آزاد گذاشت تا به هر صورتی که تمایل دارند، در آن سرمایه‌گذاری کنند؛ در مقابل «نظریه نهادی»<sup>۲</sup> بر آن است که دولت می‌بایستی برای تأمین نیازهای اجتماعی و تحقق رفاه عمومی اقدام به برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های متواتر نماید که از سه طریق خدمات عمومی، بیمه‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی اعمال می‌شوند (زاهدی اصل، ۱۳۸۱: ۲۵). بن‌تام<sup>۳</sup> با عقیده آدام اسمیت<sup>۴</sup> که «جامعه چیزی به‌جز مجموع آحاد آن نیست»، موافق بود و معتقد بود که ما «مجبور نیستیم که بحث خود را صرفاً به رفاه فردی محدود کنیم». از دید وی، رفاه دارای قابلیت اندازه‌گیری است که در این حالت می‌توان رفاه‌های فردی را با هم ترکیب نمود و سطح متراکم رفاه اجتماعی را در مجموع اندازه گرفت؛ رفاه اجتماعی با بهره‌مندی اجتماعی و با حداکثر خیر و خوشبختی برای حداکثر آحاد مردم مساوی است.

دو نوع نگرش جمع‌گرایانه و فردگرایانه در نظریه‌های رفاه اجتماعی وجود دارد؛ طرفداران رویکرد فردگرایانه پیشرفت‌های رفاهی را حاصل تبادلات خرید و فروش افراد در بازار از طریق مکانیزم تولید محصولاتی می‌دانند که مورد نظر آنها می‌باشند اما در بازار موجود نیستند؛ طرفداران رویکرد جمع‌گرایانه ضرورت‌های رفاهی را از بُعد جمعی تعبیر و تفسیر می‌کنند در این صورت یک‌رشته ارزش‌های اجتماعی وجود دارد که باید مستقل از اختیارات افراد ارتقاء یابند؛ در این حالت پدیده‌های جمعی از لحاظ

- 
1. Residual Theory
  2. Institutional Theory
  3. Bentham
  4. Adam Smith

چگونگی کاهش فقر و محرومیت و میزان ارتقای مساوات با هم مقایسه می‌شوند. نظریه‌های رفاه اجتماعی نوین با تأکید بر مسئولیت عمومی، گامی فراتر از مشارکت عمومی، بنیان نهاده‌اند. چشم‌انداز رویکردهای نوین بر مسئولیت جامعه در قبال آحاد مردم، عبارت است از: شادکامی (خوب بودن و خوب عمل کردن)، تأمین امنیت و ... در همین راستا جاکوب<sup>۱</sup> به مسئله امنیت و نیز عوامل بازدارنده فضایی و کالبدی اشاره نموده است؛ به گمان وی نشانه یک شهر موفق آن است که فرد در خیابان‌ها و کوچه‌ها و دیگر فضاهای شهر که مملو از غریبه است، احساس امنیت و اطمینان کند و نباید خودبه‌خود احساس کند که مورد تهدید است (Jacobs, 1981: 24).

کوین لینچ<sup>۲</sup> ضمن توجه به الگوهای ذهنی و تصویری مردم، تمام تلاش خود را متوجه شناخت رابطه متقابل فضای فیزیکی و فضای ذهنی موجود در الگوهای رفتاری مشاهده‌کننده نموده است که متقابلاً در نحوه استفاده از فضای فیزیکی و کاربرد آن تأثیر می‌گذارد (لینچ، ۱۳۸۳: ۲۶۵). راجرز<sup>۳</sup> در اثر خود با عنوان «شهرهایی برای یک سیاره کوچک»، عرصه عمومی را به‌عنوان عامل مشوق و تحرک در شهرها معرفی می‌نماید و معتقد است که یک شهر پایدار باید دارای مشخصه‌هایی همچون عدالت، زیبایی، فشردگی و چندمرکزی، تنوع، احساس امنیت و در نهایت ارتباطات آسان باشد که اطلاعات هم به‌صورت چهره به چهره و هم الکتریکی مبادله شود (Carmona, et al., 2003: 43). احساس امنیت در فضای شهری با مسائل اجتماعی از جمله جرم ارتباط پیدا می‌کند، پس باید میان ترس و خطر و احساس امنیت کردن و در امان بودن تفاوت قائل شد. از نظر علمی درک اثرات جرم یعنی ترس از وقوع جرم به‌اندازه خود آن، یعنی خطرهای آماری حاصل از وقوع جرم اهمیت دارند. واکنش نسبت به ترس از قربانی شدن، باعث می‌شود که بسیاری از مردم از خطرات دوری کنند یا حداقل میزان در معرض خطر قرار گرفتن‌شان را کاهش دهند، که این خود می‌تواند به عدم حضور

---

1. Jacobs  
2. Queen Linch  
3. Rujers

مردم نه‌تنها در یک مکان خاص بلکه در بیشتر فضاهای عمومی منجر شود (Carmona, 2003: 120).

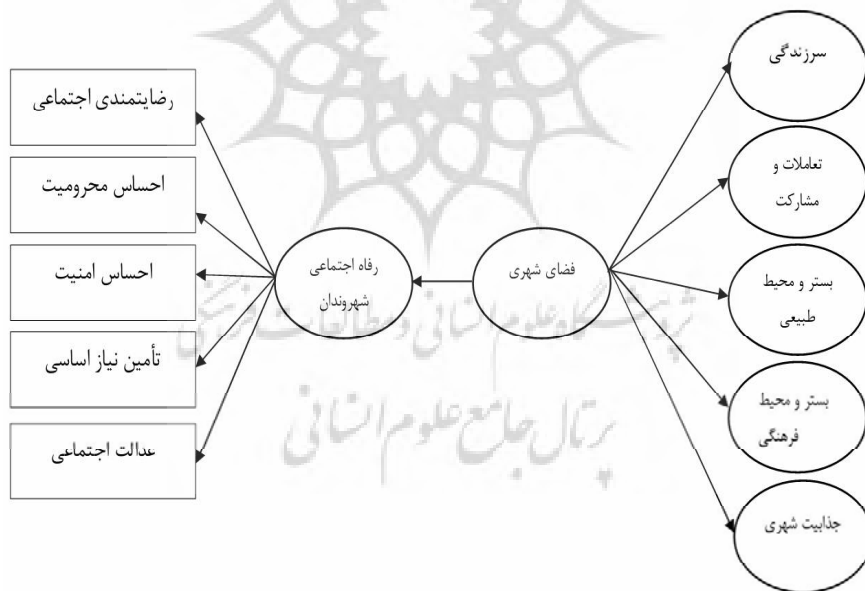
زمانی که فضا برای آسایش و حضور ایمن و فعال عابر پیاده در شهر مناسب نباشد، نخستین قشری که از حضور در شهر محروم می‌شوند، گروه‌های ویژه یعنی سالمندان، معلولان، کودکان و افراد بزرگسال می‌باشند. این در حالی است که این قشر درصد زیادی از استفاده‌کنندگان از فضای شهری را تشکیل می‌دهند و عدم حضور اینان در شهر به معنای افت کیفیت شهر و سلب معنای شهری از آن است. قابلیت پیاده‌روی، شرایط مساعدی است که افراد پیاده به‌آسانی قادر به گردش در آن فضا باشند. این ویژگی، جنبه‌های مختلفی همچون اتصال، خوانایی، ایمنی و دسترسی به خدمات مورد نیاز افراد پیاده را در برمی‌گیرد (Waldock, 2012: 64). توجه به مقوله امنیت شهری از آن جهت اهمیت مضاعف دارد که گسترش شهرها و در پی آن افزایش جمعیت شهرنشین و نیز تغییر کالبد و ساختار شهر، بیانگر آن است که این مقوله ارتباط نزدیکی با تعاملات اجتماعی، اتحاد و همبستگی گروه‌های مختلف سنی و جمعیتی، ارتقای کیفیت شهری، افزایش سرزندگی و نشاط در جامعه دارد. در واقع یک فضای شهری امن مستلزم تعاملات اجتماعی است. آرامش و امنیت عمدتاً به‌وسیله ایجاد شبکه‌ای پیچیده و تقریباً ناخودآگاهی از نظارت‌ها و رعایت داوطلبانه هنجارها در میان خود مردم حفظ می‌شود و به‌وسیله خود مردم اجرا می‌گردد (Salehi, 2002: 113).

فاینستاین<sup>۱</sup>، دستیابی به شهر عدالت محور را به‌عنوان هدف مناسب شهرسازی در نظر گرفته است. فاینستاین پس از مجادلات فلسفی و تجربی متعدد و بررسی گونه‌های مختلف آرای مرتبط با عدالت در شهر به این نتیجه می‌رسد که معیارهای اصلی شهر عدالت محور عبارت‌اند: (۱) برابری<sup>۲</sup> (۲) مردم‌سالاری<sup>۳</sup> (۳) تنوع (Fainstein, 2010: 171).<sup>۴</sup>

- 
1. Susan S. Fainstein
  2. Equity
  3. Democracy
  4. Diversity

وارنا<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) اصطلاح «سرزندگی» را به عنوان مفهوم عملیاتی شده برگرفته از ایده شهر لوفور، در تحلیل فضاهای عمومی شهری برداشت نموده است؛ لوفور معتقد است: «فضاهای اجتماعی متضاد و متکامل، تأمین‌کننده هم‌زمان امنیت و آزادی، قطعیت و ماجراجویی، سازمان‌دهی کار و تفریح، پدیده‌های پیش‌بینی پذیر، شباهت‌ها و تفاوت‌ها، انزوایها و تضادهای، تبادل‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها، استقلال و ارتباطات در چشم‌انداز طولانی‌مدت می‌باشند. به دلایل گوناگون تأمین نشاط و سرزندگی شهری به یکی از دغدغه‌های اصلی نظام مدیریت شهری به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته تبدیل شده است» (وحیدا و دیگران، ۱۳۹۳: ۴).

### مدل نظری



### فرضیات تحقیق

- ۱- فضای عمومی شهری بر رضایتمندی اجتماعی شهروندان شهر تهران تأثیر دارد.
- ۲- فضای عمومی شهری بر احساس محرومیت نسبی شهروندان در شهر تهران تأثیر دارد.
- ۳- فضای عمومی شهری بر احساس امنیت شهروندان در شهر تهران تأثیر دارد.
- ۴- فضای عمومی شهری بر تأمین نیاز اساسی شهروندان در شهر تهران تأثیر دارد.
- ۵- فضای عمومی شهری بر عدالت اجتماعی شهروندان در شهر تهران تأثیر دارد.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس نوع داده‌های جمع‌آوری و تحلیل شده، پژوهش کمی و ازلحاظ نوع برخورد با مسئله مورد بررسی و ورود به آن مطالعه‌ای میدانی است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش پیمایش است. جامعه آماری را کلیه شهروندان شهر تهران که از نظر سن در دامنه سنی ۷۰-۱۸ سال قرار دارند، تشکیل داده است و تعداد آن‌ها طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ ۹۴۳۵۰۴۵ نفر بوده است. حجم نمونه احتساب شده با استفاده از فرمول کوکران با درصد خطای ۰/۰۴ برابر با ۶۲۵ نفر برآورد گردیده است. روش نمونه‌گیری تلفیقی از دو روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی می‌باشد که با توجه به ویژگی‌های جامعه آماری، این روش به صورت چندمرحله‌ای و متناسب صورت گرفته است. شهر تهران بر اساس طبقه‌بندی شهرداری، شامل ۲۲ منطقه و ۳۷۰ ناحیه می‌باشد، جهت انتخاب مناطق و ناحیه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی از پنج جهت جغرافیایی پنج منطقه ۱، ۸، ۵، ۱۹، ۶ انتخاب شد که از هرکدام از مناطق نیز یک ناحیه (محلله‌های نیاوران، هفت‌حوض، جنت‌آباد، نعمت‌آباد و ولی‌عصر) انتخاب شدند و سپس به تعداد حجم نمونه بر اساس نمونه‌گیری متناسب با حجم هرکدام از محلله‌ها، پرسشنامه در بین شهروندان توزیع و تکمیل شد و در نرم‌افزار Spss 22 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است.



### تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

تعریف مفهومی رضایتمندی اجتماعی: احساس رضایتی است که هر فرد از زندگی خود و از رابطه با دیگران دارد (ایمان و مرادی، ۱۳۸۸).

تعریف عملیاتی رضایتمندی اجتماعی: شاخص‌های ویژه رفاه اجتماعی بر اساس نظرات هگل و بنتام، رضایتمندی اجتماعی، احساس محرومیت نسبی، احساس امنیت، تأمین نیاز اساسی و عدالت اجتماعی می‌باشند.

تعریف مفهومی احساس محرومیت نسبی: وضعیتی که در آن فرد از آنچه دارد، راضی نیست، را احساس محرومیت نسبی می‌گویند و دلیل این امر آن است، که انتظاراتی که فرد از خود دارد، بیشتر است. هم‌چنین مقایسه‌ای که فرد بین زندگی خود و دیگران می‌کند، بر این احساس می‌افزاید (صدقی، ۱۳۷۲ به نقل از قائمی، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

تعریف عملیاتی احساس محرومیت نسبی: احساس محرومیت نسبی با تقسیم شدن امکانات شهری به شکل عادلانه، احساس نابرابری در شهر محل زندگی، راضی بودن از وضعیت شهر در مقایسه با سایر شهرها، احساس رضایت از زیرساخت‌های مربوط به حمل‌ونقل در شهر محل زندگی، احساس رضایت از زیرساخت‌های مربوط به بازار در شهر محل زندگی (صدقی، ۱۳۷۲ به نقل از قائمی، ۱۳۸۶: ۱۲۴) عملیاتی شده است.

تعریف مفهومی احساس امنیت شهروندان: به فقدان هراس از این‌که ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی مورد تهدید قرار گیرند و یا به مخاطره بیفتند و هم‌چنین نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع احساس امنیت گفته می‌شود (افشار، ۱۳۸۵: ۶۱).

تعریف عملیاتی احساس امنیت شهروندان: احساس امنیت با شاخص‌های احساس امنیت جانی (خشونت، ترس از خشونت)، احساس امنیت اقتصادی، احساس امنیت محیطی و احساس امنیت اجتماعی عملیاتی شده است.

**تعریف مفهومی تأمین نیاز اساسی:** نیازهای اساسی شهروندان به آن دسته از نیازهایی اطلاق می‌شوند که ادامه حیات شهری شهروندان به آن‌ها بستگی دارد.

**تعریف عملیاتی تأمین نیاز اساسی:** تأمین نیاز اساسی با شاخص‌های شکل شهر حامی عملکردهای حیاتی، شکل شهر حامی نیازهای بیولوژیک، خدمات بهداشتی مراکز خرید (میدان‌ها تره‌بار و ...)، دسترسی به بافت محلی، خدمات درمانی، قابل‌دسترس بودن بافت و سهولت نفوذ فیزیکی عملیاتی شده است.

**تعریف مفهومی عدالت اجتماعی:** به اعتقاد راولز، جامعه‌ای که توزیع منابع در آن عادلانه باشد، وضعیت رفاهی بهتری از جامعه‌ای دارد که منابع آن به شکل عادلانه توزیع نمی‌شود و توزیع عادلانه به این معناست که برای محروم‌ترین افراد مطلوب باشد. بدین ترتیب، رفاه اجتماعی مستلزم حذف نابرابری‌های غیرعادلانه است، نه حذف صرف نابرابری (فیتزپاتریک، ۱۳۸۱: ۳۴).

**تعریف عملیاتی عدالت اجتماعی:** عدالت اجتماعی با شاخص‌های منابع و امکانات برابر، مساحت فضای سبز نسبت به مساحت منطقه، تعداد کتابخانه‌ها، تعداد باشگاه‌های ورزشی، عریض بودن خیابان‌ها، تعداد مراکز فرهنگی و فرهنگسراها عملیاتی شده است.

**تعریف مفهومی فضای عمومی شهری:** فضای شهری یا فضای عمومی آن دسته از فضاهایی می‌باشند که عموم شهروندان بدون نیاز به کنترل و ... حق ورود و حضور در آن را دارند. فضاهایی چون خیابان‌ها، میدان‌ها، پارک‌ها، بازارها، مساجد و ... (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۸۷).

**تعریف عملیاتی فضای شهری:** شاخص‌های فضای عمومی شهری برگرفته از نظرات کوین لینچ، جیکوبز، کولمن و گرین شامل سرزندگی شهری، جذابیت شهری، مشارکت، تعاملات اجتماعی در شهر، بستر و محیط طبیعی و بستر و محیط فرهنگی است که جهت سنجش هرکدام از این شاخص‌ها، گویه‌هایی طرح گردیده است.

## یافته‌های تحقیق

### یافته‌های توصیفی

نتایج توصیفی حاصل از تحلیل متغیرها بیانگر این است که از ۶۲۵ نفر حجم نمونه ۳۰۲ نفر (۴۸/۳ درصد) را مردان و ۳۲۳ نفر (۵۱/۸ درصد) را زنان تشکیل داده‌اند؛ از نظر سنی، ۲۳/۲ درصد از جمعیت نمونه سنشان زیر ۲۵ سال، ۱۸/۲ درصد در دامنه سنی ۲۵-۳۵، ۳۲/۳ درصد در دامنه سنی ۳۶-۴۵ سال، ۱۹ درصد در دامنه سنی ۴۶-۵۵ سال و ۷/۲ درصد بیش از ۵۵ سال بوده‌اند؛ از نظر سطح تحصیلات ۸/۵ درصد دارای تحصیلات دیپلم، ۲۴/۳ کاردانی، ۳۶/۵ کارشناسی و ۲۸ درصد کارشناسی ارشد و دکتری و از نظر وضعیت اشتغال ۳۸/۹ درصد بیکار و ۶۱/۱ درصد شاغل و از نظر وضعیت تأهل ۴۵/۴ درصد مجرد و ۵۴/۶ درصد متأهل بوده‌اند. ۴۷ درصد از شهروندان کیفیت فضای عمومی شهر را در سطح متوسط و ۵۱/۷ درصد عالی و ۴۴/۲ درصد سطح برخورداری خود از رفاه را در سطح متوسط و ۵۳/۸ درصد نیز در سطح عالی بیان نموده‌اند؛ سطح رفاه اجتماعی و برخورداری از فضاهای عمومی شهری در بین شهروندان متوسط و متوسط به بالا بوده است.

### یافته‌های تبیینی

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده در تحقیق حاضر با استفاده از نرم‌افزار معادلات ساختاری در قالب آزمون فرضیات و برازش مدل مفهومی در زیر به تفکیک فرضیات آورده شده است.

### آزمون فرضیه‌ها

فضای عمومی شهری بر رفاه اجتماعی شهروندان شهر تهران تأثیر دارد.

فضای عمومی شهری بر رضایتمندی اجتماعی شهروندان شهر تهران تأثیر دارد.

فضای عمومی شهری بر احساس محرومیت نسبی شهروندان شهر تهران تأثیر دارد.  
 فضای عمومی شهری بر تأمین نیاز اساسی شهروندان شهر تهران تأثیر دارد.  
 فضای عمومی شهری بر عدالت اجتماعی شهروندان شهر تهران تأثیر دارد.

جدول ۱- آزمون فرضیه تأثیر فضای عمومی شهری بر رفاه اجتماعی و ابعاد آن

نتیجه	P	نسبت بحرانی (C.R)	ضریب رگرسیونی	جهت	فرضیه
تأیید	۰/۰۰۰	۹/۶۵	۰/۵	مثبت	۱) تأثیر فضای عمومی شهری بر رفاه اجتماعی شهروندان (فرضیه کلی)
تأیید	۰/۰۰۰	۱۹/۴۲	۰/۶۱	مثبت	۲) تأثیر فضای عمومی شهری بر رضایتمندی اجتماعی شهروندان
تأیید	۰/۰۰۰	۱۵/۳	۰/۵۲	مثبت	۳) تأثیر فضای عمومی شهری بر احساس محرومیت نسبی شهروندان
تأیید	۰/۰۰۰	۱۳/۶۲	۰/۴۸	مثبت	۴) تأثیر فضای عمومی شهری بر تأمین نیاز اساسی شهروندان
تأیید	۰/۰۰۰	۱۰/۳	۰/۳۸	مثبت	۵) تأثیر فضای عمومی شهری بر عدالت اجتماعی شهروندان

فرضیه کلی: با توجه به مقدار نسبت بحرانی (C.R=۹/۶۵) و مقدار آن می‌توان گفت در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معناداری برابر با (p=0/000=sig) می‌باشد با توجه به اینکه این مقدار از (۰/۰۵) کمتر می‌باشد می‌توان گفت که فرضیه مبنی بر تأثیر فضای عمومی شهر بر رفاه اجتماعی شهروندان تأیید شده است؛ مقدار ضریب رگرسیونی و مثبت بودن مقدار آن (۰/۵) بیانگر این است که با افزایش فضای عمومی شهری، رفاه اجتماعی شهروندان در شهر تهران افزایش پیدا می‌کند و برعکس.

فرضیه (۱): با توجه به مقدار نسبت بحرانی (C.R=۱۹/۴۲) و مقدار آن می‌توان گفت در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معناداری برابر با (p=0/000=sig) می‌باشد با توجه به اینکه این مقدار از (۰/۰۵) کمتر می‌باشد می‌توان گفت که فرضیه مبنی بر تأثیر فضای عمومی شهر بر رضایتمندی اجتماعی شهروندان تأیید شده است؛ مقدار ضریب رگرسیونی و مثبت بودن مقدار آن (۰/۶۱) بیانگر این است که با افزایش فضای عمومی شهری، رفاه اجتماعی شهروندان در شهر تهران افزایش پیدا می‌کند و برعکس.

فرضیه (۲): با توجه به مقدار نسبت بحرانی (C.R=۱۲/۹۶) و مقدار آن می‌توان گفت در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معناداری برابر با (p=0/000=sig) می‌باشد با توجه به اینکه این مقدار از (۰/۰۵) کمتر می‌باشد می‌توان گفت که فرضیه مبنی بر تأثیر فضای عمومی شهر بر احساس محرومیت نسبی شهروندان تأیید شده است؛ مقدار ضریب رگرسیونی و منفی بودن مقدار آن (-۰/۳۳) بیانگر این است که با افزایش دسترسی به فضای شهری، احساس محرومیت نسبی شهروندان در شهر تهران کاهش پیدا می‌کند و برعکس.

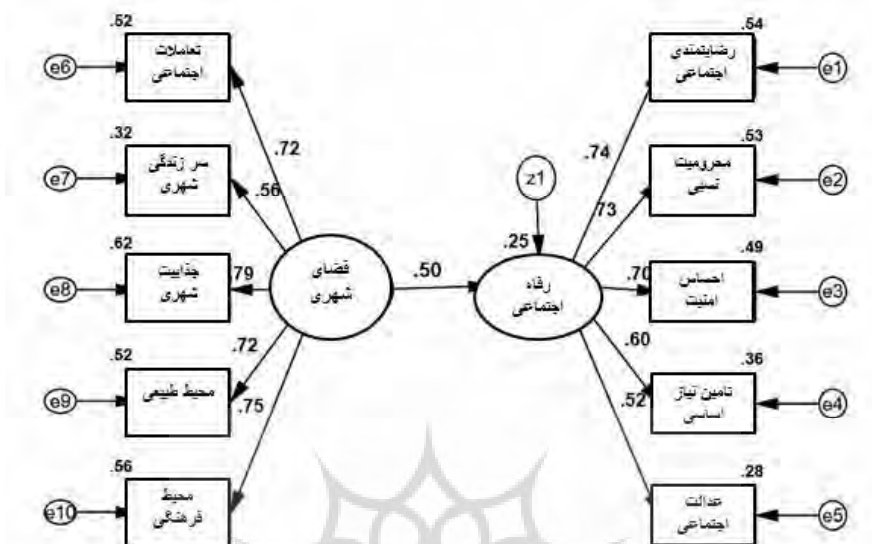
فرضیه (۳): با توجه به مقدار نسبت بحرانی (C.R=۱۵/۳) و مقدار آن می‌توان گفت در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معناداری برابر با (p=0/000=sig) می‌باشد با توجه به اینکه این مقدار از (۰/۰۵) کمتر می‌باشد می‌توان گفت که فرضیه مبنی بر تأثیر فضای عمومی شهر بر احساس امنیت شهروندان تأیید شده است؛ مقدار ضریب رگرسیونی و مثبت بودن مقدار آن (۰/۵۲) بیانگر این است که با افزایش دسترسی به فضای شهری، احساس امنیت شهروندان در شهر تهران افزایش پیدا می‌کند و برعکس.

فرضیه (۴): با توجه به مقدار نسبت بحرانی (C.R=۱۳/۶۲) و مقدار آن می‌توان گفت در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معناداری برابر با (p=0/000=sig) می‌باشد با توجه به اینکه این مقدار از (۰/۰۵) کمتر می‌باشد

می‌توان گفت که فرضیه مبنی بر تأثیر فضای عمومی شهر بر تأمین نیاز اساسی شهروندان تأیید شده است؛ مقدار ضریب رگرسیونی و مثبت بودن مقدار آن (۰/۴۸) بیانگر این است که با افزایش و بهبود کیفیت فضای عمومی شهری، نیاز اساسی شهروندان نیز بهتر تأمین می‌شود و برعکس.

فرضیه (۵): با توجه به مقدار نسبت بحرانی (C.R=۱۰/۳) و مقدار آن می‌توان گفت در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معناداری برابر با (p=0/000=sig) می‌باشد با توجه به اینکه این مقدار از (۰/۰۵) کمتر می‌باشد می‌توان گفت که فرضیه مبنی بر تأثیر فضای عمومی شهر بر تأمین نیاز اساسی شهروندان تأیید شده است؛ مقدار ضریب رگرسیونی و مثبت بودن مقدار آن (۰/۳۸) بیانگر این است که با افزایش و بهبود کیفیت فضای عمومی شهری در شهر تهران، احساس وجود عدالت اجتماعی از سوی شهروندان نیز افزایش می‌یابد و برعکس

مدل نهایی تحقیق نتایج حاصل از برازش مدل با توجه به اهم شاخص‌های برازش مدل اولیه از جمله شاخص GFI, PNFI, PCFI بیانگر این است که مقادیر این شاخص‌ها در محدوده قابل قبول می‌باشند. لازم به ذکر است که لازم نیست همه شاخص‌های مدل در محدوده قابل قبول باشند و ممکن است در یک مدل بعضی از شاخص‌ها در حد قابل قبول و برخی دیگر نباشند.



جدول ۲- شاخص‌های مدل آزمون نیکویی برازش ساختار نظری

وضعیت پذیرش	تفسیر	سطح قابل قبول	مقدار حاصل در مدل مفروض	معیار برازش مدل
قابل قبول	مقدار نزدیک به ۰/۹۵ منعکس کننده یک برازش مطلوب است.	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	۰/۹۲۶	نیکویی برازش (GFI)
قابل قبول	مقدار ۰/۰۸ قابل قبول مقدار؛ کمتر از ۰/۰۵ یک برازش خوب را نشان می‌دهد.	کوچکتر از ۰/۰۸	۰/۰۵۹	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)
قابل قبول	مقدار کمتر از ۱ نشان دهنده ضعف برازش و مقدار بیشتر از ۵ منعکس کننده نیاز به بهبود است.	۱ تا ۵	۱/۸۱۱	کای اسکوتر نسبی (CMIN/DF)
قابل قبول	بالاتر از ۰/۵۰ یا ۰/۶۰		۰/۶۶	شاخص برازش هنجار شده مقتصد (PNFI)
قابل قبول	بالاتر از ۰/۵۰ یا ۰/۶۰		۰/۶۷	شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI)

شاخص‌های مدل آزمون نیکویی برازش حاکی از آن است که شاخص کای اسکوتر به‌عنوان شاخص عمومی بهنجار و نسبی است که مقدار به‌دست‌آمده برای آن  $1/11$  می‌باشد؛ با توجه به اینکه استاندارد این شاخص بین ۵-۱ می‌باشد و مقدار محاسبه شده در این دامنه قرار می‌گیرد، خود نشان از مناسب و قابل قبول بودن این شاخص دارد. مقدار شاخص GFI نیز به‌عنوان یک شاخص تطبیقی که باید بیشتر از  $0/9$  باشد برابر با  $0/926$  است که نشان از برازش خوب الگو توسط داده‌ها است؛ به عبارتی بین ماتریس واریانس و کوواریانس بازتولید شده و ماتریس واریانس و کوواریانس مشاهده شده تفاوت چندانی وجود ندارد و این نشان از برازش خوب الگو دارد. CFI به‌عنوان شاخص تطبیقی دیگر  $0/9$  است که با توجه به دامنه نمره قابل قبول آن در جدول می‌توان گفت که الگو از یک الگوی استقلال فاصله گرفته و به یک الگوی اشباع نزدیک می‌شود.

شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد یا RMSEA نیز همانند شاخص RMR بر مبنای تحلیل ماتریس باقیمانده قرار دارد. الگوهای قابل قبول دارای مقدار  $0/05$  یا کوچک‌تر برای این شاخص هستند. برازش الگوهایی که دارای مقادیر بالاتر از  $0/1$  هستند، ضعیف برآورد می‌شوند. مقدار این شاخص برای الگوی تحقیق حاضر  $0/059$  می‌باشد که این شاخص نیز نشان از برازش نسبتاً خوب الگوها توسط داده‌ها دارد.

در کل می‌توان نتیجه گرفت که شاخص‌های کلی نشان از برازش خوب الگو توسط داده‌ها دارند و یا به عبارتی می‌توان گفت که داده‌های جمع‌آوری شده به‌خوبی الگو را مورد حمایت قرار می‌دهند.

### بحث و نتیجه‌گیری

زندگی عمومی به‌عنوان یک نمایش تأثر دیده می‌شود که در آن نمادها عرضه می‌شوند و مورد تبادل قرار می‌گیرند و نقاب‌ها بر چهره گذاشته می‌شوند، با هم مقایسه شده و



تغییر می‌یابند. آنچه در دانش طراحی شهری برای فضای باز شهری ارزش می‌باشد، نقش اجتماعی و تعاملی است که این فضا در زندگی جمعی شهروندان ایفا می‌کند. به عبارتی گسترش شهرها و در پی آن افزایش جمعیت شهرنشین و نیز تغییر ساختار شهر، ارتباط نزدیکی با تعاملات اجتماعی و در نتیجه، اتحاد و همبستگی گروه‌های مختلف سنی و جمعیتی، ارتقای کیفیت شهری، افزایش سرزندگی و نشاط در جامعه دارد. در مقایسه نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها با تحقیقات پیشین به این مهم دست‌یافته شد که نتایج حاصل از تأیید فرضیه تأثیر فضای عمومی شهری بر رضایتمندی اجتماعی با نتایج تحقیقات ربانی و گنجی (۱۳۹۰) و کیا و امیری (۱۳۹۱) همخوان و در راستای تأیید نظریات بنام می‌باشد. اگر محیط و فضای شهری به‌گونه‌ای تنظیم شده باشد که در جهت تأمین انتظارات شهروندان باشد می‌تواند رضایتمندی آن‌ها را در برداشته باشد؛ به عبارتی فضاهای شهری مکان‌هایی هستند که به عموم شهروندان تعلق داشته و با رضایت شهروندان رابطه مستقیمی می‌توانند داشته باشند. رضایتمندی اجتماعی در واقع نمودی از چگونگی ارتباط بین محیط اجتماعی و انتظارات محیطی افراد می‌باشد. با نظر به تأیید فرضیه تأثیر فضای عمومی شهری بر احساس محرومیت نسبی، احساس عدالت اجتماعی و تأمین نیازهای اساسی شهروندان می‌توان گفت که با افزایش دسترسی شهروندان به فضای عمومی شهری، احساس محرومیت نسبی آن‌ها کاهش پیدا می‌کند و برعکس؛ نتایج همخوان با نظریات جاکوب، لینچ، فاینستاین، آل زلینکا و راجرز است؛ به عبارتی احساس محرومیت نسبی از وضعیت یا شرایطی که صرف‌نظر از اوضاع و شرایط فعلی مردم قابل دسترسی پنداشته می‌شود، آشکارا به بخش بزرگی از زندگی اجتماعی مربوط می‌شود. این تمایز می‌تواند به تبیین تفاوت و تنوع در عقاید کمک کند و همچنین فهم بهتری از اعتراض‌های خودجوش و سازمان‌کنش‌های جمعی به دست دهد. زندگی اجتماعی مستلزم استفاده از اماکن و فضاهای عمومی است. شهروندان با دسترسی گسترده به فضای شهری از احساس محرومیتشان کاسته می‌شود. در واقع احساس محرومیت از مقایسه شرایط فرد با دیگران به دست

می‌آید. اگر دسترسی افراد به این فضاها به شکل نابرابر و غیرعادلانه باشد منجر به ایجاد احساس محرومیت نسبی می‌شود. بنابراین دسترسی بیشتر به فضاهای عمومی شهر در جهت عکس احساس محرومیت نسبی قرار دارد؛ در صورت برقراری عدالت اجتماعی با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار می‌شود که مستحق آن هستند.

به عبارت دیگر در این صورت هر فرد بر اساس کار، امکانات فکری و ذهنی و جسمی می‌تواند از موقعیت‌های مناسب و نعمات برخوردار شود؛ فضای عمومی شهری می‌تواند از طریق ایجاد فضای تعامل اجتماعی و ایجاد سرمایه اجتماعی شرایط را برای انجام مراودات پرسود اجتماعی فراهم سازد. در واقع در اینجا فضای شهری از طریق ایجاد بستر جهت تعاملات اجتماعی برای شهروندان شرایطی را مهیا می‌کند که از طریق آن بتوانند نیازهای اساسی خود را در محیط اجتماعی جستجو و برآورده کنند؛ نتایج فرضیه یادشده با نتایج حاصل از تحقیقات عنبری و حقی (۱۳۹۳)، بمانیان و همکاران (۱۳۸۷) و کیا و امیری (۱۳۹۱) همخوان می‌باشد. در جامعه مورد بررسی طبق بررسی‌های انجام شده فضای عمومی شهری بر احساس امنیت شهروندان مؤثر بوده است که مؤید همخوانی با نظریات جاکوب و لینچ است؛ احساس امنیت بُعد ذهنی امنیت تلقی می‌شود؛ عواملی که باعث شکل‌گیری ناامنی می‌شوند، الزاماً همان‌هایی نیستند که به نگرانی و احساس ناامنی می‌انجامند و این عوامل همپوشانی کامل ندارند.

در واقع در فضاهای شهری احساس امنیت شهری به این معناست که تمام شهروندان یک شهر می‌توانند آزادانه جابه‌جا شوند و با هم‌شهریان خود ارتباط برقرار کنند و به فعالیت‌های اجتماعی خود بپردازند، بدون آنکه تهدید شوند یا با خشونت و آزار و اذیت جسمی و روحی یا نابرابری جنسی مواجه شوند. این نتایج علاوه بر تأیید نظریات با تحقیقات بمانیان و همکاران (۱۳۸۷)، سروسستانی و نیمروزی (۱۳۸۹)، کیا و امیری (۱۳۹۱)، مؤیدی و همکاران (۱۳۹۲)، رفعت جاه و همکاران (۱۳۹۳) و داری‌پور و ملکی (۱۳۹۴) همخوان و با نتایج تحقیق اکبری و پاک‌بنیان (۱۳۹۱) ناهمخوان می‌باشند. می‌توان گفت که در شهر تهران به‌عنوان کلان‌شهری با اختلافات طبقاتی،

اجتماعی و فرهنگی و ... تفاوت در زمینه اختصاص فضاهای عمومی شهری نیز وجود دارد؛ تفاوت در مساحت اختصاص داده شده به اماکن تفریحی، گردشگری و ... که خود زمینه‌ساز تفاوت و تبعیض‌های دیگر در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای در شهر تهران می‌باشد، همه دست‌به‌دست هم داده‌اند تا احساس رفاه اجتماعی و مؤلفه‌های آن تحت تأثیر این برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرد؛ اما با این احوالات و تغییر نگاه و نگرش مردم به زندگی در استفاده از فضاهای عمومی شهر بدون در نظر گرفتن فاصله جغرافیایی البته به مدد گسترش سامانه حمل‌ونقل شهری شاهد احساس رفاه اجتماعی شهروندان هستیم که همین نکته به‌خوبی خود را در نتایج تحقیق نشان داد. با توجه به نتایج تحقیق جهت بهبود کیفیت فضای عمومی شهری و بالا رفتن سطح رفاه اجتماعی می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه نمود:

محور قرار دهی انسان در فرآیند طراحی فضای شهری؛ گسترش فرهنگ شهرنشینی و آموزش شهروندی، توجه به محیط‌های طبیعی در بحث طراحی شهری، انجام مطالعات موردی بر روی فضاهای عمومی شهری به شکل تخصصی، تشویق نهادهای مردم‌نهاد در جهت همکاری برای ایجاد فضای شهری جذاب، جذاب کردن فضاهای عمومی مانند پیاده‌روها و پارک‌ها در جهت ایجاد نشاط روانی شهروندان، توجه به اماکن فرهنگی و ضرورت قرار دادن این اماکن در نقاطی از شهر که از مقبولت اجتماعی برخوردارند، ایجاد بسترهای لازم جهت مشارکت فعالانه شهروندان در امور مرتبط با شهر و مخصوصاً فضاهای عمومی و اعمال نظرات شهروندان در طراحی چنین اماکنی، تزریق امید و سرزندگی به محیط شهری مانند استفاده از المان‌های الهام‌بخش در مکان‌های عمومی.

## منابع

- اکبری، رضا؛ پاک‌بنیان، سمانه. (۱۳۹۱). «تأثیر کالبد فضاهای عمومی بر احساس امنیت اجتماعی زنان (نمونه موردی: محله نارمک و شهرک اکباتان شهر تهران)» *نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*. دوره ۱۷، شماره ۲.
- باسرخا، مهدی؛ مسائل، ارشک. (۱۳۹۰). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی حمل‌ونقل شهری*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- بمانیان محمدرضا؛ رفیعان، مجتبی؛ ضابطیان، الهام. (۱۳۸۷). امنیت تردد زنان در فضاهای شهری و سنجش مشارکتی آن‌ها در بخش مرکزی شهر تهران؛ *مجله علمی- پژوهش تحقیقات زنان*، سال دوم، شماره چهارم.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۶). *راهنمای طراحی فضای شهری در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی*، دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری.
- داری پور، نادیا؛ ملکی، سعید. (۱۳۹۴). «بررسی نقش مؤلفه‌های منظر شهری در ارتقای سطح احساس امنیت شهروندان در فضاهای عمومی شهر اهواز (مطالعه موردی: محله گلستان)»، *دو فصلنامه پژوهش‌های منظر شهر*. سال دوم، شماره ۳.
- ربانی، علی؛ ربانی، رسول؛ گنجی، محمد. (۱۳۹۰). *رویکردی جامعه‌شناختی به احساس شادمانی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۳.
- رفعت‌جاه، مریم؛ شارع‌پور، محمود؛ رهبری، لادن. (۱۳۹۳). «امنیت و جنسیت در فضاهای شهری، مطالعه کیفی حق زنان به شهر»، *مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۳۷.
- زاهدی اصل، محمد. (۱۳۸۸). *مبانی رفاه اجتماعی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- شوای، فرانسواز. (۱۳۷۵). *شهرسازی، تخیلات و واقعیات*، مترجم: حبیبی، محسن، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ نیمروزی، نوروز. (۱۳۸۹). *بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد، دانش انتظامی*، شماره ۴۷.
- عنبری، موسی؛ حقی، سمیه. (۱۳۹۳). *بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی زنان؛ مورد مطالعه: زنان مناطق شهری و روستایی شهرستان دلیجان، جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و پنجم، شماره ۱.
- فیترپاتریک، تونی (۱۳۸۱). *نظریه رفاه: سیاست اجتماعی چیست؟ ترجمه: هرمز همایون‌فر*،

## بررسی تأثیر فضای عمومی شهری بر ابعاد رفاه ... ۵۵

چاپ اول، تهران: انتشارات مشترک مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی و گام نو.  
□ قدمی، مصطفی؛ معتمد، سمانه. (۱۳۹۲). بررسی کیفیت زندگی در شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخص‌ها، *مجله جستارهای شهرسازی*، شماره (۱۲).

□ کیا، علی‌اصغر؛ امیری، رقیه. (۱۳۹۱). بررسی میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان ۱۵-۶۴ سال

□ شهر اهواز، *فصلنامه برنامه‌ریزی و رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۱۵.

□ لیبج، گوین. (۱۳۸۳). *سیمای شهر*، ترجمه: منوچهر مزینی، تهران: دانشگاه تهران.

□ مدیری، آتوسا. (۱۳۸۵). جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر، *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۲.

□ مردوخ روحانی، احسان. (۱۳۸۸). بررسی رابطه رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی در شهر سنندج، *فصلنامه علمی، پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی* دانشگاه اصفهان، ۲۰ (۴۵).

□ مدنی، سعید. (۱۳۷۹). به‌سوی نظام جامع رفاه اجتماعی. شورای برنامه‌ریزی سازمان بهزیستی کشور. دانشگاه بهزیستی و توانبخشی.

□ محسنی، منوچهر؛ صالحی، پروین. (۱۳۸۲). *رضایت اجتماعی در ایران*، تهران: انتشارات آرون.

□ مؤیدی، محمد؛ علی‌نژاد، منوچهر؛ نوایی، حسین. (۱۳۹۲). «بررسی نقش مؤلفه‌های منظر شهری در ارتقای سطح احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری (نمونه مورد مطالعه، محله اوین تهران)»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۳۵.

□ وحید، فریدون؛ بهیان، شاپور؛ هاشمیان‌فر، سید علی؛ حضرتی، سپیده. (۱۳۹۴). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر شادمانی با تکیه بر احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: شهر کرمان)، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال ششم، شماره ۱۷.

□ Car S, Mark F, Leanne R, Andrew S. (1992). *Public Space*, Cambridge University Press, Massachusetts.

□ Carmona Matthew, Tim Heath. (2003). *Public Places Urban Spacethe dimensions of urban design* oxford: architectural press.

□ Fainstein, Susan S. (2010). “*The Just city*”, Cornell university press, Ithaca and London.

□ Hewstone, B. & strobe, w. (2001). “*Introduction to social Psychology*”, Blackwell.

- Jacobs. J. (1981). *The Death and life of Great American cities*. New York. Vintage.
- Midgely, james. (2000). ” *Context of welfare theory: a develop mentalist in perpetration,Center for social development* ”, Washington university Pup.
- Salehi. A. (2009). *Environmental specifications of safe urban spaces*. Architecture and urban Development Reserch center press. [in Persian]
- Waldoek, Reece. (2012). *Designing for pedestrians: guidelines*. Department of Transport: [http://www.transport.wa.gov.au/media/files/walk\\_p\\_walkability\\_Audit\\_Tool.pdf](http://www.transport.wa.gov.au/media/files/walk_p_walkability_Audit_Tool.pdf)
- Ziegler, Friederike (2012). *You have to Engage with life, or life will go away: An intersectional life course analysis of older women’s social participation in a disadvantaged urban area*. Geoforum 43, 1296-1305.

